یادداشت

روس‌ها به‌دنبال تعامل با طالبان هستند

محمد شوری*

● روس‌ها هم مانند بسیاری از کشورهای منطقه، از حضور طالبان در کابل و تسلط‌شان بر دولت مرکزی افغانستان، هم احساس تهدید می‌کنند و هم ممکن است در درازمدت نگاهی توأم با منفعت دراین‌باره داشته باشند. واقعیت این است که در حال حاضر بیشتر جنبه مدیریت تهدیدهای ناشی از وضعیت جدید افغانستان و سلطه طالبان بر این کشور مرکز توجه روسیه قرار دارد و برای آنها ملاک بر رفع تهدیدهاست. با این توضیح که تهدیدها هم کاملا تهدیدهای مشخصی هستند. از اواخر در دهه ۱۹۹۰ که طالبان شکل گرفت و مشغول به فعالیت شد، روس‌ها نسبت به این منبع افراط‌گرایی که در منطقه وجود داشت، ابراز نگرانی می‌کردند و بیم آن داشتند که افراطی‌گرایی به کشورهای آسیایی و حتی روسیه تسری پیدا کند. همچنین باید اشاره کرد بی‌ثباتی‌ای که در مرزهای آسیای شرقی وجود دارد، برای روس‌ها به‌عنوان یک قدرت نظم‌دهنده و قدرتی که امنیت منطقه برای آنها اهمیت زیادی دارد، موضوعی نگران‌کننده بود.همچنین بحث‌های مربوط به گسترش تولید و توزیع مواد مخدر نیز موضوعاتی بودند که روسیه نسبت به این موارد حساسیت داشت. اما در سال‌های گذشته مسکو حضور آمریکا در افغانستان را هم یک تهدید و هم یک فرصت می‌دانست. این حضور فرصتی بود تا آمریکایی‌ها در منطقه هزینه‌های مدیریت و مقابله با نیروهای سرکش را بر عهده بگیرند و عملا افراطی‌گری‌ها را کنترل می‌کردند که این حالت برای روسیه منفعت داشت. اگرچه حضور آمریکایی‌ها در افغانستان برای ایجاد دولتی کم‌وبیش دست‌نشانده در کابل موضوعی نبود که چندان مورد توجه و حمایت روس‌ها باشد، اما به هر حال مسکو بیشتر به رفع تهدیدها در کوتاه‌مدت فکر می‌کند و در واقع کمتر به فرصت‌ها می‌اندیشد. بااین‌حال، ممکن است در درازمدت با استقرار دولتی قوی‌تر، امنیت در سراسر افغانستان حاکم شود. این موضوع حتما برای روس‌ها از نظر اینکه بتوانند تعاملات انرژی خودشان را با کشورهای جنوب آسیا برقرار کنند، منفعت‌های گرانبهایی دارد. به همین دلیل اگر طالبان بتواند امنیت سراسری را در افغانستان ایجاد کند، مسئولیت‌های بین‌المللی را بپذیرد و همچنین از قالب یک گروه شبه‌نظامی افراطی خارج شده و به دولتی مسئول تبدیل شود، مورد حمایت مسکو قرار می‌گیرد. کاخ کرملین به خوبی واقف است که با چنین دولتی بهتر می‌تواند چالش تسری افراط‌گرایی از افغانستان به سمت آسیاسی مرکزی را کنترل کند. اما اگر طالبان زیر بار مسئولیت‌های بین‌المللی نرود و عملا مانند گذشته بنای حمایت از گروه‌های افراطی را در منطقه داشته باشد، حتما به تهدیدی جدی برای منافع و مصالح روسیه تبدیل می‌شود. از طرفی دیگر، قدرت‌گرفتن طالبان می‌تواند بر گروه‌های دیگر در خاورمیانه تأثیرات گسترده‌ای بگذارد که این موضوع برای کاخ کرملین چندان خوشایند نیست؛ چراکه این به معنای پیوند جریان‌های تندرو در منطقه است و هرقدر هم کنترل شوند، برای روسیه و منافع این کشور در خاورمیانه تهدیدی جدی به شمار می‌روند. البته مسکو اگر بتواند به توافقاتی با طالبان دست پیدا کند، نفع دو طرف را لحاظ خواهد کرد. در چنین شرایطی، روس‌ها به قدرتی تبدیل خواهند شد که بتوانند با جریان‌هایی که به همدیگر نزدیک هستند، تعامل بیشتری داشته باشند؛ هرچند این مسئله مشخصا در منطقه خاورمیانه چندان تأثیرگذار نخواهد بود، اما اعتمادبه‌نفس و قدرت روسیه را در نظام بین‌الملل افزایش خواهد داد. درباره تأثیری که خروج ایالات متحده از خاورمیانه بر روس‌ها می‌تواند داشته باشد نیز باید اشاره کرد که حضور آمریکا در خاورمیانه به این معنا بود که هزینه‌های مبارزه با تروریسم و افراطی‌گرایی در منطقه را بپردازند. به همین دلیل اگر طالبان نخواهد هنجارهای بین‌المللی را در رفتارش لحاظ کند، مشخص نیست کدام کشور حاضر به پرداخت هزینه‌های فوق خواهد شد. در واقع اگر طالبان حاضر باشد فضای افغانستان را برای تروریست‌ها امن کند، حتما این موضوع تبعات منفی زیادی برای روسیه خواهد داشت.

*عضو مؤسسه مطالعات راهبردی ایران و اوراسیا

گفت‌وگو با پیرمحمد ملازهی درباره سقوط حکومت افغانستان و تشکیل «امارت اسلامی» طالبان

رقابت رقبا در قلمروی طالبان

آرش فرح‌زاد: افغانستان در کمتر از ۱۰ روز به دوران تاریکی بازگشت که ۲۰ سال پیش از آن خارج شده بود و در مسیر توسعه و پیشرفت قرار داشت. خروج نظامیان آمریکایی و عدم ایستادگی نظامیان افغانستان باعث شد تا شهرهای این کشور یکی پس از دیگری سقوط کند و قبل از آنکه طالبان به دروازه‌های کابل برسند، اشرف غنی رئیس‌جمهوری افغانستان فرار را بر قرار ترجیح داد تا پایتخت هم بدون درگیری به دست طالبانی بیفتد که تصورش را هم نمی‌کردند به این سادگی پس از ۲۰ سال دوباره بر افغانستان حاکم شوند. در پی سقوط حکومت افغانستان گفت‌وگویی مفصل با «پیرمحمد ملازهی» کارشناس تحولات افغانستان و شبه‌قاره، انجام دادیم و دلایل این فروپاشی سریع، ادعای تغییر طالبان نسبت به گذشته و نیز احتمال آزادی عمل بیشتر گروه‌های تروریستی در افغانستان را با ایشان مطرح کردیم.

با آغاز خروج نظامیان آمریکایی از افغانستان، طالبان بدون ایجاد درگیری قابل توجهی توانست تقریبا تمام خاک افغانستان را اشغال کند. این پیشروی به اندازه‌ای سریع بود که برخی سرویس‌های اطلاعاتی غرب را هم شگفت‌زده کرد. این موفقیت غیرمنتظره شبه‌نظامیان طالبان و کنترل مجدد آنها بر افغانستان پس از حدود ۲۰ سال تحت تأثیر چه عواملی رخ داد؟

پیشروی سریع و بدون مقاومت طالبان در افغانستان دلایل زیادی دارد که به آنها اشاره می‌کنم.

اول، معامله پشت پرده. اینکه در بسیاری مناطق نیروهای دولتی افغانستان مقاومت نکردند به دلیل دستوراتی بود که از فرماندهی و مقام‌های بالاتر دریافت می‌کردند. استراتژی اعلام‌شده این بود که نیروها را به جای مناطق دورافتاده و کمتر قابل دفاع و پراکنده در مناطق متمرکزتر و قابل‌دفاع‌تر مستقر کنند تا در مناطق مهم در برابر طالبان ایستادگی کنند. لذا در مرحله اول ولسوالی‌های کوچک‌تر را تخلیه کردند. این را استراتژی دفاعی و عقب‌نشینی تاکتیکی نامیدند. اما در همان مرحله اول جنگ و تهاجم طالبان این استراتژی از طرف بسیاری از فرماندهان محلی که مایل به دفاع بودند زیر سؤال رفت و اشتباه تلقی شد ولی فرماندهان رده‌بالا بر اجرای آن اصرار داشتند. حمدالله محب مشاور امنیت ملی رئیس‌جمهوری افغانستان مسئول و در واقع متهم اصلی اجرای این استراتژی فاجعه‌بار بود. در نتیجه اجرای این استراتژی دو اتفاق رخ داد: اول، روحیه سربازان را به‌شدت تضعیف کرد و آنها را به این نتیجه رساند که اراده‌ای برای دفاع در برابر طالبان در سطوح بالای حکومت افغانستان وجود ندارد. دوم، به طالبان انگیزه بیشتری داد و فرماندهان این جریان افراطی در نگاهی ایدئولوژیک به زیردستان خود تلقین می‌کردند که از حمایت امدادی غیبی برخوردارند و پیروزی‌شان قطعی است. هرچه جنگ گسترش می‌یافت و مناطق بیشتری در جریان اجرای استراتژی دولت به تصرف طالبان درمی‌آمد، اعتقاد آنها به پیروزی بیشتر می‌شد و به همان نسبت ارتش روحیه خود را از دست می‌داد. اکنون پس از فرار اشرف غنی رئیس‌جمهوری و محب مشاور امنیت ملی او، تردیدها نسبت به وجود ستون پنجم و خیانت تعدادی از مقام‌ها درون کاخ ریاست‌جمهوری افزایش یافته که قابلیت طرح و بررسی دارد.

دوم، دیپلماسی دلار. در بسیاری از ولایت‌ها در مرحله دوم پیشروی طالبان و پس از روشن‌شدن شکست پروژه عقب‌نشینی تاکتیکی، در مراکز ولایات معامله دلاری صورت گرفت. ولسوال‌ها و فرماندهان با دریافت پول و تضمین از طالبان، مناطق را با سلاح و امکانات تسلیم کردند. آنها در مناطقی حتی هلیکوپترها را جا گذاشتند و سلاح‌های زیادی در جعبه‌های آکبند بود که در اختیار نظامیان قرار نداده بودند و به دست افراطیون طالب افتاد.

سوم، انگیزه جهادی طالبان و باور جزمی در آنها که وارد جهاد فی‌سبیل‌الله شده‌اند، آمریکا و ناتو را شکست داده و مجبور به توافق خروج کرده‌اند و اکنون نوبت دولت دست‌نشانده آمریکاست. این باور کمک کرد که بدنه طالبان واقعا پیروزی را در دسترس بیابد و براساس ایدئولوژی رهبرانشان به نصرت الهی ایمان داشته باشد.

چهارم، معامله طالبان با سران اقوام و روحانیت در ولایات و واسطه قراردادن آنها برای قانع‌کردن نظامیان که جنگ نکنند، با این استدلال که مانع از برادرکشی شوند. امامان مساجد و ریش‌سفیدان اقوام هم در این خصوص نقش مهمی ایفا کردند.

پنجم، استراتژی دقیق طراحی‌شده برای جنگ از طرف فرماندهان نظامی ارتش پاکستان. این فرماندهان نظامی در لباس داوطلب پشتون از مناطق پشتون‌نشین پاکستان در افغانستان حضور داشتند و ظاهر آنها با طالب فرق نداشت. تنها تفاوت ظاهری و قابل توجه آنها پوتین‌های نظامی بود که به پا داشتند در حالی که دیگران یا پابرهنه هستند یا سرپایی و کفش‌های ارزان‌قیمت به پا می‌کنند.

ششم، تدوین استراتژی دقیق در تصرف مرزها و گمرکات کشور و جاده‌های ارتباطی و قطع شریان‌های ارتباطی کشور و پس از آن تسخیر مراکز ولایات کلیدی مثل هرات، قندهار و مزارشریف.

هفتم، تاکتیک کشاندن جنگ به مناطق شمالی و غیرپشتون و خنثی‌کردن هرگونه مقاومت در قومیت‌های غیرپشتون. اسماعیل خان در هرات، ژنرال دوستم در مزارشریف و عطا محمد نور در بلخ قربانی همین تاکتیک هوشمندانه شدند. این استراتژی قطعا حساب‌شده بود و از شکل‌گیری مقاومت مردمی جلوگیری کرد. چنین فکر و طرحی خارج از درک طالب است و طراحان حرفه‌ای نظامی دارد و قطعا نظامیان پاکستانی این استراتژی را طراحی کرده‌اند.

هشتم، عدم تمایل دولت به تجهیز خیزش مردمی و قراردادن آن در کنار ارتش به بهانه‌های مختلف. خیزش مردمی بدون آموزش و سلاح کافی نمی‌توانست مؤثر باشد. تلاش‌ها در آخرین مراحل که ارتش و خیزش مردمی در یک جبهه و فرماندهی واحد قرار گیرند دیرهنگام و در روزهای پایانی در شمال افغانستان شکل گرفت که بی‌فایده بود و طالبان با سرعت مراکز ولایات را تصرف کرد و خیزش مردمی در عمل خنثی شد. اسماعیل خان تسلیم شد و ژنرال دوستم به ازبکستان پناه برد و احتمالا عطا محمد نور به پنجشیر رفته و با پسر احمد شاه مسعود و امراله صالح معاون اشرف غنی که خود را رئیس‌جمهوری موقت خوانده، در فکر دفاع از تنها ولایت تصرف‌نشده طالبان است. ولی واقعیت این است که بیشتر این جبهه‌بندی‌ها ابزار چانه‌زنی برای سهم‌گیری از دولت بعدی است. چراکه هیئت افغانستان در اسلام‌آباد به ریاست یونس قانونی معاون سابق رئیس‌جمهوری و رئیس سابق پارلمان افغانستان مشغول مذاکره با دولت اسلام‌آباد و ژنرال‌های ارتش پاکستان تا قبل از روشن‌شدن ساختار دولت جدید تحت تسلط طالبان است.

نهم، اختلافات دو تیم اشرف غنی و عبدالله عبدالله و عدم انسجام درونی دولت مرکزی و جنگ قدرت بر سر سهم‌بری قومی از قدرت که هرگز حل نشد.

دهم، فساد گسترده در حکومتگران و علنی‌شدن آن که باعث شد پایگاه اجتماعی ضعیف دولت به شدت تخریب شود و مشخص شد که دولت غنی هیچ اراده‌ای برای کنترل فساد نداشت.

یازدهم، پایگاه ضعیف دولت که با کمتر از یک میلیون رأی در انتخاباتی مشکوک و با زدوبندهایی روی کار آمد و شدت اختلاف غنی و عبدالله که تا سطح ادعای پیروزی هر دو طرف و تهدید به تشکیل دو دولت موازی در آخرین انتخابات ریاست‌جمهوری پیش رفته بود و بعد مصالحه شد.

دوازدهم، خروج غیرمسئولانه ارتش آمریکا و ناتو از افغانستان و پشت‌کردن جو بایدن رئیس‌جمهوری آمریکا به مردم بی‌دفاع افغانستان.

مجموع این عوامل باعث پیشروی سریع طالبان و انفعال ارتش بود ولی واقعیتی مهم‌تر از همه اینها، معامله بین آمریکا و طالبان در دوحه است. آمریکای بایدن با مشورت زلمای خلیل‌زاد فرستاده ویژه امور افغانستان، از جریان لیبرال غرب‌گرا که از سال ۲۰۰۱ در کابل قدرت گرفت عبور کرد و این کشور را با پاکستان، عربستان سعودی و طالبان معامله کرد. هدف معامله هم فراتر از افغانستان و در ارتباط با دعوی اصلی بر سر هژمون جهانی در قرن بیست‌ویکم است. جریان لیبرال‌دموکرات قدرت بسیج توده‌ای ندارد اما این قدرت در مذهب و طالبان نمایان است. آمریکا و ناتو از یک طرف و چین و روسیه از طرف دیگر درصدد یارگیری در این جریان هستند. طالبان، القاعده و داعش نامزدان اصلی برهم‌زننده بازی به سود یک طرف و زیان دیگری هستند. تصادفی نیست که چین و روسیه امروز مهم‌ترین حامیان حکومت طالبان شده‌اند و برای برقراری ارتباط آمادگی نشان می‌دهند. هر دو طیف قدرت جهانی، امیدوارند که نوک پیکان قدرت طالبان امارت‌ساز و خلافت‌گرا را متوجه رقیب کنند. بازی پیچیده‌ای فراتر از افغانستان است و به پروژه «یک کمربند یک جاده» و زیرمجموعه‌های آن و نقشه راه ۲۵ساله ایران و چین هم باز می‌گردد. بازی بزرگ در افغانستان تازه شروع شده است.

به ژنرال دوستم و اسماعیل خان اشاره کردید. این چهره‌های صاحب نفوذ و تعدادی دیگر از مقام‌های افغانستان پس از سقوط کابل از خیانت دولت اشرف غنی و معامله پشت پرده برای تسلط طالبان بر افغانستان صحبت کردند. این اظهارات به چه تحولات یا مسائلی اشاره دارد؟

اشاره به معامله‌ای دارد که بین آمریکا، طالبان، پاکستان، عربستان سعودی و بخشی از دولت افغانستان در دوحه قطر صورت گرفت و زمینه را برای پیروزی سهل و بدون جنگ واقعی طالبان فراهم کرد. اشرف غنی در دو مقطع مشکوک به خیانت است. مقطع اول که طبق توافق دوحه قرار بود دولت کنار برود و یک دولت موقت به مدت ۱۸ ماه شکل بگیرد که اعضای آن ترکیبی متعادل‌تر از طالبان و دولت مرکزی افغانستان باشد اما غنی زیر بار نرفت. مقطع دوم زمانی بود که باید در کابل می‌ماند اما فرار کرد و کابل را دودستی تقدیم طالبان کرد. این هر دو مرحله مشکوک است.

ادامه در صفحه ۸

نکته

تأثیر اصلی این رویکرد آمریکا در افغانستان بازکردن فضا برای طالبان و جریان رادیکال خلافت‌گرا در اهل سنت است تا در آینده در قالب داعش و القاعده علیه رقبای آمریکا از طریق جریان‌های قومی وابسته وارد عمل شوند. حمایت چین و روسیه از طالبان می‌تواند پاتک آنها در مقابل آمریکا باشد

نگاه

نفوذ طالبان بر اساس توافقی جهانی است

فریدون مجلسی . دیپلمات سابق

● قدرت طالبان در افغانستان و تحرکات گروه‌های تروریستی را باید دو اتفاق مجزا بدانیم؛ برای مثال، فعالیت داعش که به توهمات و تعصب‌های نابجای مذهبی اصرار داشتند و در حالی که از وطن خاصی هم دفاع نمی‌کردند، مردم را به کُشتن می‌دادند، فقط می‌خواستند خودشان را خلیفه جهان اسلام معرفی کنند؛ اما طالبان با گرایش‌های افراطی به وطنی به نام افغانستان تعلق دارند. در واقع گروه طالبان ۲۰ سال پس از حاکمیت پیشین بر اساس برنامه‌ای مشخص جلو آمده‌اند و بسیار ساده‌اندیشانه است اگر تصور شود که آمریکا با وجود هزینه‌های گزاف و راه‌اندازی ارتش در افغانستان، به همین سادگی افغانستان را به مثابه سرزمینی بی‌حاصل که ارزش جنگیدن ندارد، ببیند و این کشور را ترک کند.

البته دیدگاهی هم وجود دارد و باعث شده این تلقی جدی گرفته شود که طالبان آمده‌اند با اعمال خشونت و بر اساس تصورشان از اسلام سلفی، حکومتی را پیاده کنند و مردمی هم که به امکانات جهان امروز خو گرفته‌اند، از دست آنها خشمگین شده و از کشور فرار کنند. بااین‌حال، وقتی می‌بینیم پیاده‌نظام‌های پشتونی بیابانی و کوهی وارد شهرها شده‌اند، می‌توانیم به این نتیجه برسیم که همان انسان‌های اولیه‌ای هستند که در دور قبل هم همه اختیار افغانستان را در دست داشتند؛ آن‌هم در حالی که فرماندهانشان از چند سال پیش در قطر مستقر بودند و با لباس‌های اتوکشیده در مذاکرات بین‌المللی در اروپا و حتی در تهران شرکت کرده‌اند. از همین‌رو می‌توان گفت کشورهای مختلف به این تفاهم رسیده‌اند که با حمایت از حاکمیت طالبان، از منابع افغانستان که ارزش آنها کمتر از نفت کشورهای نفت‌خیز نیست، در آرامش و امنیت بهره‌مند شوند؛ یعنی می‌توان گفت کشورهای منطقه با طالبان بر سر ایجاد امنیت توافق کرده‌اند و بر همین اساس به نظر می‌رسد تشکیل هیئت سه‌نفره متشکل از حامد کرزی، گلبدین حکمتیار و عبدالله عبدالله که مأمور انتقال مسالمت‌آمیز قدرت شده‌اند، امری نیست که یکی، دوروزه انجام شده باشد. همچنین باید در نظر داشت منابع افغانستان در درجه اول «لیتیوم» است که منبعی استثنائی شناخته می‌شود؛ آن‌هم در شرایطی که جهان روز به روز بیشتر متکی به باتری‌های ساعتی می‌شود که به‌دست‌آوردن آنها مستلزم برخورداری از لیتیوم کمیاب است و قیمتش سیر صعودی دارد. در واقع این منابع عظیم که از سوی آمریکایی‌ها کشف شده است، چیزی نیست که بخواهند در اختیار رقبا بگذارند. با این توضیح که چین، روسیه و اروپای غربی به لیتیوم نیازی مبرم دارند. بنابراین می‌توان تصور کرد نفوذ طالبان در شهرهای افغانستان بر اساس توافقی جهانی است؛ مخصوصا اینکه طالبان امروز طالبان ۲۰ سال پیش نیستند و در قطر پیشرفته زندگی کرده و پیشرفت‌های خارق‌العاده جهان را دیده‌اند که در نتیجه آن به این تمایل رسیده‌اند که «ما هم می‌توانیم در آرامش در مملکت خودمان زندگی کنیم». به نظر من از آنجایی که پشتون‌های کوهی جز کارکردن با بیل و کلنگ کار دیگری بلد نیستند، حتما به این تصمیم رسیده‌اند که با دیگر گروه‌ها همکاری کنند و در اداره کشور آنها را هم به کار بگیرند. مردمی که از طالبان هراس دارند نیز با گذشت زمان وقتی دیدند که امور پیگیری می‌شود و از انفجارهای انتحاری قبلی خبری نیست، به آرامشی می‌رسند و آنها هم از ثروتی که نصیب کشورشان شده است، بهره‌مند خواهند شد. در پایان می‌توان گفت در تحولات این روزهای افغانستان، جنبه‌های مادی محرک اصلی است.

اصلاحیه آگهی دعوت برگزاری انتخابات الکترونیک موسسه انجمن علمی بیوشیمی پزشکی ایران با شماره ثبت ۸۷۶۷ شناسه ملی ۱۰۱۰۰۳۷۳۱۴۵

به استحضار کلیه اعضای پیوسته انجمن علمی بیوشیمی پزشکی ایران می رساند در آگهی دعوت برگزاری انتخابات الکترونیک انجمن که در صفحه ۴ روزنامه شرق مورخ یکشنبه ۱۴۰۰/۵/۲۴ چاپ گردیده است تاریخ مجمع عمومی عادی (نوبت اول) اشتباه قید شده است. لذا به اطلاع می رساند "مجمع عمومی عادی" (نوبت اول) انجمن با دستور انتخابات اعضای هیئت مدیره و بازرس انجمن در روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۰/۶/۲۴ از ساعت ۱۵:۰۰ بامداد تا ۲۳:۴۵ به صورت الکترونیک برگزار میگردد. لذا از کلیه اعضای پیوسته دعوت می شود جهت شرکت در انتخابات هیئت مدیره و بازرس به سامانه کمیسیون انجمن های علمی گروه پزشکی به آدرس https://iman.behdasht.gov.ir مراجعه نمایند.

هیئت مدیره انجمن بیوشیمی پزشکی ایران

مدرک کارشناسی **اینجانب اکرم برغمدی** فرزند رمضان به شماره شناسنامه ۰۷۸۰۱۲۷۸۹۷ صادره از سبزوار در مقطع کارشناسی رشته حسابداری صادره از واحد دانشگاهی تهران جنوب مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا میشود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب به نشانی تهران خ کریم خان زند خ ایرانشهر شمالی نبش آذرشهر پلاک۲۰۹ و یا کدپستی ۱۵۸۴۷۱۵۴۱۴ ارسال نماید.

آگهی تجدید مناقصه عمومی (۸ - ۴۰۰)

نوبت‌دوم

شهرداری نسیم شهر در نظر دارد نسبت به اجرای پروژه خرید و حمل آسفالت از طریق مناقصه عمومی به شرح ذیل اقدام نماید بدینوسیله از اشخاص حقوقی واجد شرایط دعوت می گردد جهت تهیه اسناد مناقصه به امور قراردادهای شهرداری مراجعه نمایند.

موضوع مناقصه: پروژه خرید و حمل آسفالت

۱ - مبلغ اعتبار پروژه: به مبلغ ۴۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (چهل میلیارد ریال)

۲ - مدت زمان اجرای موضوع مناقصه ۶ ماه می باشد.

۳ - مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۲/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (دو میلیارد ریال)

۴ - رتبه و رشته مورد نظر:دارای امتیاز کارخانه آسفالت یا مجوز بهره برداری

۵ - هزینه خرید اسناد به صورت واریز به حساب ۰۱۰۵۳۹۵۲۶۸۰۰۵ بنام شهرداری نسیم شهر و مبلغ ۱/۲۰۰/۰۰۰ ریال می باشد.

۶ - مهلت دریافت اسناد و ارائه پیشنهادات حداکثر ۱۰ روز پس از چاپ آگهی نوبت دوم می باشد.

۷ - هزینه چاپ آگهی به عهده برنده مناقصه می باشد.

۸ - سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مناقصه می باشد.

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار: تهران – شهرستان بهارستان - نسیم شهر - بلوار امام خمینی (ره) - نبش میدان هفت تیر - شهرداری نسیم شهر - امور قراردادها و پیمانها شماره تلفن: ۵۶۷۷۵۱۹۲ - ۰۲۱

مهدی جعفرصالحی
سرپرست شهرداری نسیم شهر

شرکت ملی نفت ایران
شرکت نفت و گاز اروندان

آگهی عمومی ارزیابی کیفی مناقصه گران
مناقصه عمومی دو مرحله ای شماره ۱۴۰۰/۵۳۹ م م
موضوع :خرید قطعات یدکی مکانیکال سیل های john crane دارخوین

نوبت‌دوم — شناسه آگهی ۱۱۷۵۸۶۸

شرکت نفت و گاز اروندان (خریدار) در نظر دارد خرید کالای موضوع فوق را از طریق شرکت های تأمین کننده داخلی واجد صلاحیت تأمین نماید. لطفاً جهت کسب اطلاعات بیشتر و چگونگی حضور در این مناقصه به وب سایت شرکت نفت و گاز اروندان به آدرس AOGC.ir مراجعه فرمایید.
در صورت نیاز با شماره تلفن کمیسیون مناقصات ۸۸۷۲۴۲۵۶-۰۲۱ تماس حاصل فرمایند.

روابط عمومی شرکت نفت و گاز اروندان

شرکت ملی نفت ایران
شرکت نفت و گاز اروندان

آگهی عمومی مزایده عمومی یک مرحله ای
شماره ۱۴۰۰/۵۱۱ مم
موضوع: فروش ۶۸ قلم کابل مازاد

نوبت‌دوم — شناسه آگهی ۱۱۷۵۳۳۲

شرکت نفت و گاز اروندان (مزایده گزار) در نظر دارد بخشی از کالاهای مازاد خود را از طریق مزایده عمومی به فروش رساند. لطفاً جهت کسب اطلاعات بیشتر و چگونگی حضور در این مناقصه به وب سایت شرکت نفت و گاز اروندان به آدرس AOGC.ir مراجعه فرمایید.
در صورت نیاز با شماره تلفن کمیسیون مناقصات ۸۸۷۲۴۲۵۶-۰۲۱ تماس حاصل فرمایند.

روابط عمومی شرکت نفت و گاز اروندان